



ثبت نام در مدارس دولتی هزینه‌ای ندارد و گرفتن هرگونه وجه در مدارس دولتی به استثنای هزینه‌های مربوط با بیمه دانش آموزی، هزینه کتب درسی و لباس کار در هنرستان‌ها ممنوع است.

- جواد خیابانی:** من رفتم به معلم قدیم توی مدرسه سر بزنم، ازم پول گرفتن چه جوری می‌کن بدون پول ثبت نام می‌کنن؟
- مریم امیر جلالی:** مدرسه ما حتی نذری هم می‌خواست بده، نخود و لوبیاش رو از ما می‌گرفت. ثبت نام بدون پول نمی‌دونم چه صیغه‌ایه دیگه والا.
- ناصر همتی:** یادش به خیر! من کارمند ساده بانک بودم، کپی گرفتن از مردم ممنوع شد، الان که رئیس بانک مرکزی شدم، هنوز هم دارن کپی می‌گیرن، این هم عین همونه.
- ترامپ:** تنگه هرمز هم همین جوریه، خودم بازش کردم، پولی نمی‌خواد بدی، فقط یک عوارض کوچولوئه که چیزی نیست، بدین بره دیگه گداگشها.
- وزیر نیرو:** والا ما هم هر سال می‌گیم برق نباید قطع بشه، ولی خب چی کار کنیم؟ برق هم مثل درس فزازه، خودش می‌ره.
- پیمان جلی:** ما هم امسال گفتیم دیگه حق ندارن سریالای تکراری پخش کنن، به جز سریالایی که سال پیش پخش شده.
- سخنگوی دولت:** دوستان! افزایش قیمتا هم توجیه قانونی نداره و هر وقت قانونی شد، ما اعلام می‌کنیم، خیالاً راحت.
- مدیر مدرسه:** حالا شما رایگان اومدین داخل، ولی دوست دارم بدونم موقع دادن کارنامه و پرونده آخر سال چی کار می‌خواین بکنین.



با مسئولیت خودت

«بله! تو رستم تهمتتی، بزن که خوب می‌زنی...؟!» گفتم: «آفرین! بازیکنای قدیم تیم ملی باید بیان از تو یاد بگیرن!» گفتم: «هر بار این درو، محکم بنبد نرو (کابوس شبانه‌ام برای تنگه هرمز!) رو هم بلدم ریتمیک بخونم و قر بدم تا بچه‌ها توی رختکن حوصله شون سر نره!» گفتم: «چه خوب! حالا بگو گل زدن بلدی؟! گفتم: «آره، کار هرروزمه! یک حالی می‌ده! باید اول این جور دیگه دودش کنی... بگم بیارن، باهم بزنیم؟!» گفتم: «نه، هر گلی می‌زنی به سر خودت بزن! تو فقط بگو توپ که زیر پاته، چارچوب شناس هستی؟!» گفتم: «من به چارچوب پایبند نیستم! هرچا من شوت بزنم، دروازه کشورارو باید بیرن همون جا!» گفتم: «محوطه جریمه رو می‌شناسی؟ به وقت خطا نکنی، داور جریمه مون کنه.» گفتم: «خودم جریمه ش می‌کنم! تعرفه می‌بندم بهش! داور چینی باشه که بدتر!» گفتم: «آفرین! همه سؤالات رو با موفقیت جواب دادی، توی تست امیرخان هم قبول بشی، به عنوان سوژه خنده می‌ذاریمت توی اردو! ولی چون بچه‌های بازیگوشی ان، با مسئولیت خودت...»

پ.ن: یک گذرنامه جعلی ایرانی برای ترامپ درست کردم و دادم بهش تا ازش امتیاز بگیرم! در مرز آمریکا همه بازیکنان ایرانی با موفقیت وارد آمریکا شدن، جز ترامپ که گذرنامه‌اش جعلی از کار درآمد و بازداشت شد! فعلا تحت حفاظت کار می‌کند تا دوره ریاست جمهوری اش تمام شود... (ادامه دارد)

تصمیم گرفته بودم به عنوان یک گزارشگر شکر بروم آمریکا و جام جهانی را گزارش کنم. پس با کلی مدارک جعلی خودم رابه عنوان نماینده ایران برای توافق آتش بس معرفی کردم تا وارد آمریکا شوم. پس از چند دور مذاکره، بالاخره ترامپ گفت: «حالا که جام جهانی چند روز دیگه شروع می‌شه، بیا به معامله‌ای بکنیم.» گفتم: «چه معامله‌ای؟ فقط بگم تنگه و اورانیوم و غنی سازی و ایران و غرور ما سر جاش می‌مونه. حالا بگو چی می‌خوای؟!» گفتم: «شما من رو بذارین نوک حمله، من هم می‌گم ویزای بازیکنان رو صادر کنن!» گفتم: «تو مگه فوتبال بلدی؟ تو اصلا مگه ایرانی هستی؟» گفتم: «شایعه شده بود او با ما بوشهریه! مگه من جیم از او با ما کمتره؟! کشور چغرو و بدبدنی هم دارین! شیرخشک مامی و نون باکت ددی (که برنده‌های جدیدمه!) حلالتون! حالا می‌شه گذرنامه ایرانی بهم بدین؟! آخه هیچ تیمی من رو راه نمی‌ده!» گفتم: «خب این جور می‌شه. باید جلو امیرخان تست بدی.» گفتم: «من قبلا جلو شاهرخ خان توی هند تست دادم و گفت عجب فیلمی هستی! امیرخان که سخت‌گیرتر از شاهرخ خان نیست، هست؟!» گفتم: «این با اون فرق می‌کنه! این خودش هم فیلمه! به همین دلیل سخت‌تر می‌شه برات! فقط تا قبل اینکه تیم ملی برسه، یه سری سؤال هست که باید جواب بدی.» با خوش حالی گفتم: «بگو، بگو، من آماده‌ام.» گفتم: «سرود ایران رو بلدی بخونی؟!» گفتم:



رئیس دفتر رئیس جمهور:

اگر گرانی نبود، قحطی می‌شد.



(ایسنا)

صد او سیما:

اگر تبلیغات
وسط سریال
نبود، سنگ
کلیه به علت
نرفتن به
دست شویی
ایجاد می‌شد.

دندان پزشک:

اگر درد
دندان نبود،
خانه من
داخل بولوار
سجاد نبود.

عاصم منیر:

اگر من
نبودم،
آتش بس
نبود، فقط
آتش بود.

رئیس بانک مرکزی:

اگر نخ به
خود کار
نبود،
نه، حتی
تصورش هم
سخت است!

لوازم تحریر:

اگر کنکور
نبود، مداد
مشکی نرم
پررنگ هم
نبود.